

یک ایده ناب از فعال فرهنگی محله امام رضا(ع)

نوشتن از مسجد عباسی



راه تجربه

امید
محلهنوجوان ورزشکار محله طرق برای معرفی
رشته دفاع شخصی به مدارس مختلف رفتشرطی
که مربی گذاشت

سمیرامنشادی اهدیه نجاتی که پانزده بهار از زندگی اش گذشته توانسته است جزو دختران موفق و امیدهای ورزشی محله طرق باشد. او به دلیل علاقه اش به ورزش دفاع شخصی آستین هارا بالا زد تا دختران نوجوان و جوان راه این ورزش علاقه مند کنند. حالادر باشگاهشان بیش از نود نفر مشغول تمرین دفاع شخصی هستند. خود او در این مدت توانسته است مقام اول استانی سال ۱۴۰۰، مقام دوم استانی کیک بوکسینگ و مقام اول استانی هنرهای نمایشی هیئت دفاع شخصی سال ۱۴۰۲ را به دست بیاورد. همچنین در همین ابتدای سال ۱۴۰۳ توانسته در کارنامه ورزشی اش مقام سوم کشوری در دفاع شخصی در حرکات های نمایشی را ثبت کند.

● از چند سالگی ورزش را شروع کردی؟

از چهار سالگی. دوسال ژیمناستیک کار کردم، اما ورزش مورد علاقه ام نبود. مدتی هم کاراته را امتحان کردم. باز هم آن طور که باید از ورزش لذت نمی بردم تا اینکه باراهنمایی های مادرم، علاقه ام را در ورزش دفاع شخصی پیدا کردم.

● شنیده ام مربی دفاع شخصی را شما به طرق آوردید. درباره اش توضیح می دهی؟

به اتفاق مادرم دنبال مربی می گشتیم. اما آن ها به دلیل مسافت طولانی به طرق نمی آمدند تا اینکه استادی از شهرک رجایی قبول کرد بیاید. با این شرط که اگر ظرف یک ماه تعداد هنر جوها به حد نصاب نرسد، دیگر نمی آید. با دوف نفر دیگر از دوستانم تیم تشکیل دادیم و به مدارس مختلف رفتیم و دختران بادی در حرکات نمایشی، جذب این ورزش شدند. ابتدا کلاس را با ۹ نفر شروع کردیم و حالا در سه شیفت هنر جوها مشغول تمرین هستند.

● برای آینده ورزشی ات چه برنامه ای داری؟

مربیگری و داوری در این رشته ورزشی را دوست دارم. برای مربی شدن مشغول تمرین هستم و تا یک ماه دیگر آزمون می دهم. به امید خدا اگر مدرکش را بگیرم به دلیل اینکه هجده سال ندارم به عنوان دستیار مربی فعالیت می کنم. بعد از هجده سالگی هم برای گرفتن مدرک داوری اقدام می کنم.

● برای این ورزش چقدر هزینه می کنی؟

ورزش ما به وسایل خاصی نیاز ندارد. اما برای شرکت در مسابقات ها یا گرفتن مربی خصوصی

نجمه موسوی زاده پنج شش ساله بود که پدر و دایی مرحومش او را با مسجد عباسی محله امام رضا(ع) آشنا کردند. هر چند حضورش در مسجد با کلاس های قرآن و برنامه های تفریحی مانند اردو شروع شد، هر چه بزرگ تر می شد، رفت و آمدش به مسجد بیشتر و معنادار تر می شد. سه سال پیش، روزی که برای اقامه نماز جماعت به مسجد رفته بود، یک باره از ذهنش گذشت که هر چه تا الان در زندگی دارد، از همین مسجد عباسی است. اوسی سال از عمرش را در همین مکان گذرانده بود و این گونه شد که احمد رضا احمدیان تصمیم گرفت کتابی درباره مسجد عباسی بنویسد.

● پژوهش درباره شهدای مسجدی

خانه شان نزدیک مسجد قرار دارد، به همین دلیل خودش را فقط بزرگ شده محله امام رضا(ع) نمی داند. او رشد شخصیتی، فرهنگی و مذهبی خود را مدیون مسجد است و می گوید: روزی که دایی مرحوم، حامد خطیبی که فرمانده پایگاه بسیج مسجد بود، دستم را گرفت و به مسجد برد، بچه بودم و تصور نمی کردم این مکان بتواند آن قدر در شکل گیری شخصیت من تأثیر بگذارد. بنابراین خودم را بچه محله امام رضا(ع) و مسجد عباسی می دانم. آقا احمد رضا سه سال پیش تصمیم گرفت کار تحقیقاتی درباره شکل گیری مسجد عباسی انجام دهد، «ایده ای در ذهن داشتم که با پیشنهاد آقای صفار، فرمانده پایگاه بسیج مسجد، تصمیم بر این شد که پژوهش هایم به صورت مکتوب و به شکل کتاب چاپ شود.»

او اولین پرس و جوها را حول محور سال ساخت مسجد و خادمان آن شروع می کند؛ «اولین خادم مسجد حاج آقا یعقوبی بود که در ساخت مسجد مشارکت داشت و بیشتر از نیم قرن در مسجد زندگی کرده بود. بعد از آن در تحقیق هایم متوجه شدم که تعداد شهدای مسجد درست نیست و تعدادی از شهدا از قلم افتاده اند.» او با کار پژوهشی، هفت شهید را که از مسجد عباسی اعزام شده بوده اند، شناسایی کرد؛ «به عنوان مثال شهید امیر غلامی اصالتاً بیرجندی بود. شهید از مسجد عباسی اعزام شده بود، اما بعد از شهادتش، خانواده او به شهر و دیارشان بازگشته بودند. به همین دلیل اطلاعی از آن ها نداشتیم.»

● استفاده از ظرفیت نوجوانان

نوشتن داستان مسجد به سمتی پیش رفت که او تصمیم گرفت در کلاس های نویسندگی شرکت کند؛ «برای اینکه بتوانم به درستی با افراد مصاحبه کنم. سپس بنویسم. شش ماهی در کلاس های نویسندگی آقای خسروی را شرکت کردم.»

بخشی از اطلاعات مسجد عباسی جمع شد اما آقا احمد رضا به دلیل مشغله های زندگی نمی توانست به تنهایی پروژه تحقیقاتی اش را تمام کند؛ «تصمیم گرفتم در این مسیر از نوجوانان و جوانان علاقه مند مسجد دعوت به همکاری کنم، چون به نظرم مشارکت آن ها تشویقشان به حضور بیشتر در مسجد است.» او که بیشتر از ۱۰ سال است در برهه امتحانات، کلاس های رفع اشکال در مسجد برگزار می کند، توضیح می دهد: به واسطه این کلاس ها ارتباط خوبی با بچه ها دارم. به تازگی موضوع همکاری آن ها برای تحقیق درباره مسجد را مطرح کرده ام و تا الان که مدت زیادی از این موضوع نمی گذرد، داوطلبان خوبی داشته ایم.

آقا احمد رضا نمی تواند تاریخ دقیقی درباره تهیه و چاپ کتاب بدهد.

برای مسابقه ها باید هزینه کنیم.

بخشی از این مبالغ را والدینم تأمین

می کنند. چون به آرایشگری و آبروییک

علاقه داشتم، دوره های این دو هنر را گذراندم.

درآمدی را که از این طریق به دست می آورم، خرج

ورزشم می کنم.

● آیا توانسته ای روی دختران اطرافت تأثیر بگذاری؟

به نظر خودم بسیار زیاد تأثیر گذار بوده ام. مادر و خواهر کوچک ترم در همین رشته ورزشی مشغول فعالیت هستند. بین دوستان و دختران محله مان به عنوان دختر ورزشکار و فردی که پشتکار و تلاش زیادی دارد، شناخته می شوم. بسیار پیش آمده است دخترانی که در مدرسه شان اجرا داشته ام، نشانی باشگاه را پرسیده اند و ثبت نام کرده اند.

● از شکست های ت چه درسی گرفتی؟

اولین مسابقه ای که در دفاع شخصی شرکت کردم، همه گفتند مقام می آورم، اما شکست خوردم. چند روز ناراحت بودم؛ بعد از آن، ایرادهای کارم را بررسی و برای مسابقه بعدی حسابی تمرین کردم. در آن مسابقه توانستم مقام اول استانی هیئت رزمی را به دست بیاورم. به نظرم بردها بعد از شکست شیرین تر و دلچسب تر است.



منطقه



منطقه

